

در میزگرد نسل فردا با موضوع ازدواج سفید بررسی شد؛

بازی دوسر باخت دختران ایرانی

نگار احمدی

هر چند از دواج سفید هنوز فرآیند نشده، اما همه کارشناسان و مسئولان نسبت به شیوع آن هشدار داده‌اند. در ارتباط با به کارگیری اصطلاح «ازدواج سفید» باید گفت: «ازدواج سفید» اصطلاحی صدها درصد غلط است؛ چرا که نه پیوند ازدواج و زناشویی در آن جایگاهی دارد و نه پایان روشنی را می‌توان برای آن

متصور شد. این نوع سبک زندگی مشترک را شاید بتوان شکلی غیرقانونی و غیرشرعی و غیرعرفی از با هم بودن دانست که برخی از جوانان یا حتی افراد میانسال در حال تجربه آن هستند. نسل فردا یا حضور مهندیس رضا محزونیه مدیر مسئول روزنامه نسل فردا، دکتر احمد پدram روانشناس، دکتر رضا تیموری فعال در زمینه جوانان، دکتر صالحی مشاوره

خانواده و ازدواج، الهام آزادمنش مدرس دانشگاه و فعال در حوزه مسائل اجتماعی و نگار احمدی روزنامه نگار و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، میزگردی را در ارتباط با پدیده «ازدواج سفید» در چندین جلسه برگزار کرده است. متن حاضر ادامه گفت و گوی کارشناسان مذکور در دومین جلسه‌ای است که از نظر می‌گذراند.

دکتر پدram:

آرمان‌گرایی در ازدواج ممکن است فرد را به سمت ازدواج سفید سوق دهد. کسی که می‌خواهد از لحاظ اقتصادی و موقعیت اجتماعی در درجه بالایی قرار بگیرد و بعد از به دست آوردن این موارد ازدواج کند، از آنجایی که این آرمان به سختی می‌تواند محقق شود و از طرفی بحث غریز جنسی و نیازهای عاطفی و قدرت آن مطرح است، ممکن است در معرض خطر ابتلا به ازدواج سفید قرار بگیرد. بنابراین رسیدن به چنین شناختی، بسیار اهمیت دارد و اینکه قرار نیست افراد همه چیز برایشان مهیا باشد تا اقدام به ازدواج کنند. در گذشته، افرادی که ازدواج می‌کردند از صفر شروع می‌کردند و بعد زندگی خود را سر و سامان می‌دادند، اما امروز ما شاهد هستیم که افراد با صد در صدی امکانات، زندگی خود را شروع می‌کنند و بعضاً به درجه صفر می‌رسند. وقتی به فرزندانمان می‌گوییم که برایشان همه چیز آماده خواهیم کرد خانه، ماشین و سایر امکانات و تو تنها به ازدواج رضایت بده در واقع ما فرزند خود را در قله‌ای قرار داده‌ایم که زحماتی برای بالاتر رفتن از آن نداشته است که ارزش داشته‌هایش را بداند. کسی هم که در قله قرار می‌گیرد، کاری جز پایین آمدن از این قله نخواهد داشت! ما باید به آموزش سعودی و نزولی به مردم بپردازیم. به این منظور هم به فرزندانمان آموزش دهیم که ازدواج مرحله‌ای از تکامل است و برای شروع زندگی لژیومی ندارد اصراً به داشتن خانه‌ای بزرگ با تمام امکانات موجود

مهندس محزونیه:

شما می‌فرمایید این نقصان و کاستی در امکانات اقتصادی است که منجر به گرایش برخی افراد به این گونه ازدواج می‌شود؟

دکتر پدram:

بالاتر رفتن توقعات و آرمان‌گرایی‌های بی‌مورد.

مهندس محزونیه:

اما وقتی روحیات و منش برخی از این افراد را بررسی می‌کنیم،

داشته باشند. این می‌شود همان آموزش از پایین به بالا. از سوی دیگر باید به والدین هم آموزش داد در امر ازدواج جوانان، دست از آرمان‌گرایی‌های بی‌مورد بردارند. آرمان‌گرایی در ازدواج، یک معضل بزرگ محسوب می‌شود. یک مانع اساسی به باعث می‌شود فرد در امر تشکیل زندگی صفر - یک عمل کند؛ یعنی یا یک چیز را اصلاً نخواهد یا اگر خواست همه آن چیز را بخواهد به دست بیاورد. آن هم در بالاترین سطح! برخی از این جوانان در توجیه‌گرایی خود به ازدواج سفید، مشکلات اقتصادی را پیش می‌کشند. خوب در این نوع ازدواج، مسئله این است که تنها عدم تعهد اقتصادی وجود ندارد، بلکه عدم تعهد عاطفی نیز موجود است.

دکتر پدram:

این بحث همان تنوع طلبی است؛ البته باید گفت ازدواج سفید خودش انواع مختلفی دارد. ما با نوعی از ازدواج سفید رو به رو هستیم که در آن فردی تنها با یک نفر به صورت غیر شرعی و غیر قانونی زندگی می‌کند بدون اینکه سبک زندگی آنان به صورت قانونی و در شناسنامه ثبت شده باشد. از سوی دیگر ما با نوعی از ازدواج سفید رو به رو هستیم که در آن با فردی تنوع طلب رو به

نگار احمدی:

شما از دریچه نگاه روانشناختی به این مسئله می‌پردازید. اگر بخواهیم از بعد دیگری بیرون بیرونیم، متوجه خواهیم شد گرایش برخی زنان به ازدواج سفید، شاید به این دلیل باشد که این نوع ازدواج برای بعضی به روشی برای دور زدن برخی موارد قانونی بدل شده که در حقوق مدنی خانواده دیده می‌شود. زنان جوان تحصیلکرده‌ای که تحت تاثیر برخی افکار فمینیستی غرب، به تفکرات برابری طلبانه می‌اندیشند. منتی در حقوق مدنی خانواده، با مواردی رو به رو می‌شوند که منعکس کننده آن نیست. مثلاً مواردی نظیر این قانون که «ریاست خانواده بر عهده مرد است» ازدواج سفید از آنجا که ازدواجی غیر قانونی است؛ بنابراین مقید به تبصره‌ها و قوانین موجود در قانون مدنی خانواده نخواهد بود. در چنین سبکی، دیگر اینکه چه کسی رییس خانواده باشد، اهمیتی ندارد.

دکتر پدram:

شما اگر واژه «ریاست» را بردارید، به نوعی تعدیل خواهید رسید. اگر بگوییم «مسئولیت اداره خانواده بر عهده مرد است» این واژه هم بار معنایی مثبت تری دارد و هم فشار عاطفی کمتری وارد می‌آورد. وقتی از تاثیر گذاری تفکرات فمینیستی صحبت می‌کنیم، تفسیر این موضوعات بسیار مهم خواهد شد. اگر امروز در همان قانون مدنی خانواده، اعلام شود که «ریاست خانواده و مسئولیت اداره آن بر عهده زن است» رییس به این معنا که نفقه افراد خانواده را باید زنان بدهند، مطمئن باشید بسیاری از زنان معترض خواهند شد و نخواهند پذیرفت. وقتی ریاست خانواده که در قانون خانواده بر عهده مرد گذاشته شده و از دید برخی افکار فمینیستی، تقبیح می‌شود را مقداری چکش کاری کنیم، بیشتر جزئیات آن را بایز کنیم و تصاویر واضح تری از چنین تفکری را پیش روی زنان قرار دهیم، باور کنید بسیاری از زنان آن را نخواهند پذیرفت؛ چرا که زنان لطافت و حساسیت بیشتری دارند و بر دوش گرفتن مسئولیت مالی خانواده در اکثر موارد برای آنان فشاری سرسام آور به همراه می‌آورد.

نگار احمدی:

صرفاً ریاست خانواده - که مورد اشاره قانون مدنی خانواده است - نیست، طولانی شدن برونس طلاق، مورد دیگری است که گاهی سال‌ها می‌تواند است یک فرد را درگیر خود سازد تا روند اداری و بوروکراتیک آن را بسیر کند؛ ضمن اینکه بسیاری از زنان از بدک کشیدن نام «مطلقه» به دلیل نگاه منفی جامعه و عرف، واقعا هراس دارند. بنابراین به اشتباه به سبک زندگی‌ای تن می‌دهند که لایق اکثر منجر به جدایی شد، بر حسب مطلق بر پیشانی آنان تجسید و شناسنامه شان هنوز از حک شدن نام یک مرد در آن پاک باشد. نکته دیگر این است که در قرن بیست و یک، عنصر «عشق و عاطفه» به عنصری اساسی و مهم برای زندگی زناشویی بدل شده است. اگر در گذشته تولید مثل و بقای نسل بود که کارکردی اساسی برای تشکیل خانواده داشت، اما امروزه خانواده بر مبنای عشق تشکیل می‌شود. از طرفی مرد و زن نسبت به این عنصر و تداوم آن، واقع بین تر شده‌اند؛ به نحوی که می‌دانند تداوم عنصر «عشق» به صورت همیشگی امکان پذیر نیست و دغدغه خواهند توانست همواره یکدیگر را دوست بدارند؛ بنابراین رابطه خود را از همان ابتدا طوری تنظیم می‌کنند که امکان جدایی و فسخ رابطه، بدون طی کردن روند قانونی و بوروکراتیک طلاق، امکان پذیر باشد.

دکتر پدram:

اشتباه نشود. همیشه در زندگی زناشویی، عنصر «عاطفه و عشق» وجود داشته است. اتفاقاً خلاف نظر شما معتمد که قرن بیست و یک، قرن نقض عشق و عاطفه است و نه محوریت آن! عدم شناخت درست عشق، باعث شده ما به فکر چیزهای دیگری برای بقای ارتباطات خود باشیم. اگر قرن حاضر قرن عشق بود که ما در آن همه مشکلات نداشتیم. سازگاری با یکدیگر، نتیجه عشق و عاطفه بود. امروز افراد در شناخت و هارمونی عواطف، مشکل دارند که به سمت ازدواج سفید می‌روند. نمی‌توان گفت که صرفاً قرن بیست و یکم عاطفه می‌خواهد. زنان در تمام قرون تاریخ، به دنبال عشق و عاطفه بوده‌اند. مرد تمام قرون به دنبال عشق بوده است حتی اگر سبک زندگی‌اش بدوی بود. امروز مشکل ما ضعف در شناخت هیجان‌های خود و همسرمان است که آمار طلاق را افزایش داده و برخی از افراد را از ازدواج‌های قانونی و رسمی سرخورده کرده است. چه طور می‌شود که یک زن و مرد با فرزند خود سوار بر ترک موتور با امکانات تفریحی





مهندس رضا مزینه | مدیرمسئول روزنامه نسل فردا



دکتر رضا تیموری | کارشناس در امور جوانان



دکتر احمد پدرام | روانشناس



نگار احمدی | کارشناس ارشد جامعه‌شناسی



بهار آزادمنش | مدرس دانشگاه



دکتر اعظم صالحی | مشاوره ازدواج و خانواده

دختر بگوید که احتمال دارد این مرد در هنگام عصبانیت بر سر شما فریاد بکشد! مسلماً در انتخاب دختر امروز، چنین مردی جایگاهی ندارد.



دکتر پدرام:

اشتباه نشود قصد ما بازگشت به گذشته نیست. من هم معتقدم اگر انسان نسل گذشته مشکل نداشت، عقده‌ها یا پشیمانی‌ها به نسل بعدی انتقال نمی‌داد. بنابراین ما باید حرکتی رو به جلو داشته باشیم. حدوداً ۷۰ درصد دانشجویان در دانشگاه‌ها، دختران ما هستند. ما باید از همین پتانسیل بهره ببریم و تفاوت میان "عشق بازی" و "عشق ورزی" را به آنان بیاموزیم. رسانه‌های ما باید این تفاوت را به افراد بیاموزند. من در یک برنامه رادیویی اعلام کردم چه اشکالی دارد که مرد صبح به صبح هنگام خروج از منزل، همسر خود را با عافیه در آغوش بکشد و بپوسد؟ دیدم تهیه‌کننده برنامه با اشاره از من خواست که چنین مواردی را در برنامه مطرح نکنم. جای تعجب دارد که چرا در رسانه‌های ما از یاد دادن عشق ورزی به زن و شوهر می‌ترسند. صحنه‌ای که در آن زن و شوهری جلوی فرزندان خود یکدیگر را کتک می‌زنند، زشت تر و قبیح تر است یا صحنه‌ای که در آن زن و شوهر به هم محبت می‌ورزند و با این کار الگوی مهرورزی برای فرزندان می‌شوند؟! ما در آموزش این مسایل ضعف داریم. این است که می‌رسیم به بالا رفتن آمار آن! ما در آموزش از آن می‌ترسیم به جوانانی که به خاطر ترس از طلاق، ترجیح می‌دهند زندگی مخفیانه بدون قانون و قاعده‌ای تحت عنوان ازدواج سفید داشته باشند.

ادامه دارد...



بهار آزادمنش:

متأسفانه بسیاری از زنان ما در دوران کودکی یاد گرفته‌اند که ارزش‌های خود را با میزان سکه بسنجند. در گذشته زن استقلال مالی و فکری نداشت هر چند باید گفت شاید برخی از زنان ما امروزه ظرفیت این میزان استقلال فکری و مالی را پیدا کرده‌اند. اینجاست که چنین عارضه‌هایی به وجود می‌آید و استقلال زنان سنگ بنایی خواهد شد برای ناسازگاری و نه سازگاری!



مهندس رضا مزینه:

اما وقتی روحیات و منش برخی از این افراد را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که این سبک ازدواج بیشتر در میان افرادی شیوع دارد که همه امکانات برایشان مهیاست. با این اعتقاد که تمایلی به تعهد دادن به شخص خاصی ندارند و دلشان می‌خواهد افراد متعددی را تجربه کنند!

می‌خواهد در تمام دوران از انسان بدوی گرفته تا امروز، خود توان اداره خانواده را داشته باشد. هرگز این گونه اتفاقات نمی‌افتاد. اینجا ضعف هوش عاطفی حاکم است.



دکتر صالحی:

امروز شرایط در حال تغییر است و زنان ما وارد دانشگاه‌ها شده‌اند و سطح توقعات آنان نیز بالا رفته است؛ بنابراین هم زنان و هم مردان باید در برابر این تغییرات از خود انعطاف بیشتری نشان دهند. لازم است که مردان ما نیز کمی دیدهای سنتی خود را تعدیل کنند.



دکتر پدرام:

من هم این موضوع را قبول دارم. مردان ما نیز باید منتهع تر عمل کنند و پیشرفت زنان را در بسیاری از زمینه‌ها بپذیرند. منتهی زنان ما نیز نباید مردان را با استفاده از موقعیتشان تحقیر کنند.



دکتر تیموری:

چرا زنان کم سواد ما در گذشته می‌توانستند ارتباط خوب عقلی و عاطفی با همسران خود برقرار کنند، اما این ارتباط در میان برخی از زنان امروز به شدت قبل وجود ندارد؟ چون حکمتی آنان و زندگی‌شان را حمایت می‌کرده که فراتر از تمام مدارک دانشگاهی بوده و در هیچ دانشگاه معتبری نمی‌توان آن را آموخت.



نگار احمدی:

ولی من با این موضوع که شما اصرار دارید چنین القا کنید که مادر بزرگان ما زنان خوشبختی بوده‌اند، کاملاً مخالفم. برخی از آنها با مسایل زجر آوری که خان خودشان بود، در زندگی زنانشویی‌شان رو به رو بوده‌اند. اصلاً شاید بتوان گفت که شرایط امروز در قالب آزادی‌های نامعقول، برآیند و محصول سبک غلطی بوده که در گذشته وجود داشته است. بسیاری از مادران دیرپور در پاسخ به این سوال که چرا تا این حد آزادی به فرزندان خود می‌دهید؟ چنین عنوان می‌کنند که "چون ما خودمان از لحاظ آزادی‌های فردی در مضیقه بوده ایم و دشواری‌های بسیاری را تحمل کرده ایم، دیگر دلمان نمی‌خواهد این گونه محدودیت‌ها برای فرزندان خصوصاً دخترانمان تداوم یابد." نتیجه چنین طرز تفکری، می‌شود بی‌قاعدگی‌های موجود، ازدواج سفید و آزادی عملی‌نا به‌هنجار که برخی از جوانان نسبت به این سبک زندگی از خود نشان می‌دهند.



بهار آزادمنش:

بازگشت به گذشته تاریخی مادران و مادر بزرگ‌های ما، امکان پذیر نیست. در گذشته آموزشی که به مادر بزرگ‌های ما داده می‌شد، این بود که باید با جادر سفید با به زندگی زنانشویی بنگاری و با کفن سفید از این زندگی خارج شوی. با وجودی که بعضاً خشونت‌های فیزیکی علیه آنها در خانواده و توسط شوهر اعمال می‌شد یا با وجود اینکه سسالی یک زایمان را تجربه می‌کردند! چنین تصویری از زندگی زنانشویی و زن ایده آل دیگر در میخده دختران امروزی ما نمی‌گنجد. بنابراین بازگشت به گذشته و الگو قرار دادن سازگاری مادر بزرگ‌ها، همان‌طور که دختران امروز بی‌فایده است. امروز کافی است موقع خوشگساری کسی به یک



دکتر پدرام:

ای کاش به جای مدارس تیزهوشان، مدارس "خردمندان" را در سیستم آموزشی خود تاسیس می‌کردیم و در چنین مدرسی فاکتور می‌کردیم که خردمند کسی است که تنها هوش عقلی و ذهنی ندارد، بلکه هوش احساسی، معنوی، عاطفی و هیجانی هم دارد. بچه‌ها می‌باید به جای آموختن خردمندی، ندی به معنای امروزی و کاملاً عقلانی را آموخته‌اند. عقلانیتی که تنها به منافع شخصی خود می‌اندیشد. امروز فرزندانمان را طوری تربیت کرده ایم که برای رسیدن به منافع شخصی خود، حاضرند با روی اختلافات بگذرانند.



دکتر صالحی:

پیرو فرمایش شما باید بگویم سال‌هاست در آمریکا و مدارس آن در حال اجرای طرح‌هایی هستند که در آن در مقطع دبستان، به آموزش چگونگی تنظیم هیجان در کودکان می‌پردازند. در این طرح، از افراد آموزش دیده در رشته‌های مرتبط استفاده می‌شود برای اینکه به کودکان از همان ابتدا تنظیم هیجان آموخته شود. این یعنی تلاش برای بالا بردن هوش هیجانی در افراد. در علم روانشناسی در دو مرحله از رشد مغزی افراد می‌توان کارهای اساسی برای پیشگیری از اختلالات روانی در آنان انجام داد. مرحله اول در سن سه تا چهار سالگی کودک قرار دارد که در این مرحله رشد رستی مغزی در کودک اتفاق می‌افتد و در این مرحله رشد کیفی سلول‌های مغز اتفاق می‌افتد و مرحله دوم دوران نوجوانی فرد است. اگر در این مراحل، آموزش هیجانی درست به افراد داده شود، بسیاری از اختلالات روانی که بعد از ۲۰ سالگی اتفاق می‌افتد، طبیعتاً اتفاق نخواهد افتاد. یکی از دلایلی که برخی جوانان حاضر به ازدواج رسمی و قانونی نمی‌شوند، ترس آنها از اختلافاتی است که ممکن است بین آنها اتفاق بیفتد؛ یکی از مهم‌ترین دلایل این اختلافات هم عدم شناخت درست هیجانی از یکدیگر است. شناختی که می‌توانست در این دو مرحله به درستی صورت پذیرد و مانع از بسیاری از اختلافات میان زوجین شود. در غرب آموزش هوش هیجانی از همان ابتدا به افراد داده می‌شود. بهتر است برخی از این طرح‌ها را هم در سیستم آموزشی خود وارد کنیم تا جوانانمان به خاطر ناامیدی از زندگی رسمی و ترس از طلاق، به اشتباه به ازدواج سفید گرایش پیدا نکنند.



دکتر پدرام:

من یک اصطلاحی دارم و آن این است که "در بسیاری از موارد جوانان ما پس از آنکه شروع می‌کنند و پشت کوهی آن قضیه را تمام می‌کنند" من مراجعی داشتم که بسیار تحصیل‌کرده بود. اعتراض این خانم این بود که "من با چنین موقعیت اجتماعی و تحصیلات بالا، چرا باید مهریه ام به اندازه یک زنی باشد که در روستا زندگی می‌کند! یا ارزش من ۱۱۰ سکه است!!!"



بهار آزادمنش:

متأسفانه بسیاری از زنان ما در دوران کودکی یاد گرفته‌اند که ارزش‌های خود را با میزان سکه بسنجند. در گذشته زن استقلال مالی و فکری نداشت هر چند باید گفت شاید برخی از زنان ما امروزه ظرفیت این میزان استقلال فکری و مالی را پیدا کرده‌اند. اینجاست که چنین عارضه‌هایی به وجود می‌آید و استقلال زنان سنگ بنایی خواهد شد برای ناسازگاری و نه سازگاری!



دکتر پدرام:

بله این استقلال فکری و مالی را باید در راستای افزایش شناخت احساسات جنس مخالف از آن بهره برداری کرد و نه به رخ کشاندن موقعیت خود و وقتی یک زن مدرک تخصص خود را می‌گیرد. مطلب می‌زند و شب به شب موقعیت مالی خود را به رخ همسرش می‌کشد. مرد هم از آن طرف در پاسخ به او و برای تحقیر زن به او دستور می‌دهد که جوراب‌هایش را بشوید! اینجاست که عدم شناخت از احساسات جنس مخالف، منجر به اختلاف و درگیری خواهد شد. زن با دادن چهار میلیون و دویست هزار تومان پول حاصل از ویزیت یک روزه اش به همسر و به رخ کشاندن موقعیت مالی خود، مرد را تحقیر کرده و مسرد هم با نادیده گرفتن تخصص همسرش و دستور دادن برای شستن جوراب‌ها، این عمل را متقابل در از نسیب با او تکرار کرده است. این در حالی است که اگر همین زن که مدرک تحصیلی بالایی هم دارد به این درجه از شناخت هیجانی نسبت به جنس مخالف می‌رسد و می‌داند که مردان از اینکه زن خرجشان را بدهد احساس حقارت می‌کنند و اینکه مرد دلش



دکتر تیموری:

خانواده‌ها را در گذشته، منتهی پایداری خانواده اجازه فروپاشی را به خانواده‌ها نمی‌داده است. شیوه برخورد جوانان با مشکلات، امروزه خودش یک عارضه است. انقلاب اسلامی ایران بیشترین میزان تاثیرگذاری را اقرار بود در زمینه‌های معنوی و تربیتی و اخلاقی داشته باشد که امروز با جایگزینی عقلانیت ذهنی به جای عقلانیت معنوی، نتوانسته ایم حق مطلب را به درستی در این باب ادا کنیم. ما نه در مباحث تربیتی نوآوری خاصی داشته ایم و نه در بحث الگوسازی مان نتوانسته‌ایم الگوهای درستی را به جوانانمان ارائه دهیم؛ البته مطرح کردن الگوهای خوب در اوایل انقلاب به درستی صورت پذیرفت که متأسفانه کم‌کم این امر کم‌رنگ شد و جوانان ما در فضاهای بدون الگو، همراه با هجوم رسانه‌های غربی رها شده‌اند. امروز متأسفانه الگوهای غربی در قالب خوانندگان، بازیگران و هنرمندان هالیوودی جذابیتهای به مراتب بیشتر برای جوانان و نوجوانان ما دارند.

